اثر تعدیلگر مدیریت سود بر رابطه ویژگی‌های شرکت و اجتناب مالیاتی

محمود علیزاده[۱]
جمال جلیلیان[۲]
درخشان حیدری[۳]
نسیم طاهرخانی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۴

چکیده

مالیات، مهم‌ترین منبع تأمین مالی دولت، نه‌تنها در کشورهای توسعه‌یافته بلکه در کشورهای درحال‌توسعه است و از طرف دیگر، مالیات یکی از عوامل خروج منابع شرکت است؛ بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر مالیات شرکت‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از این رو هدف از این مطالعه، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت با اجتناب مالیاتی و تحلیل اثرات تعدیل‌کننده مدیریت سود بر رابطه بین ویژگی‌های شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی است. ویژگی‌های شرکت در این مطالعه، بر پایه سودآوری، اهرم و اندازه بوده است. در این مطالعه ۶۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره (۱۳۹۵-۱۳۹۱) به‌عنوان نمونه مورد مطالعه و با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند. نتایج رگرسیون پانل دیتا با استفاده از نرم افزار Eviews با مدل اثرات تصادفی نشان داد که ویژگی‌های یک شرکت، یعنی سودآوری، اهرم مالی و اندازه اثر معناداری بر اجتناب مالیات دارند. از طرف دیگر عملکرد مدیریت سود، می‌تواند اثرات سودآوری، اندازه شرکت و اهرم را بر اجتناب مالیاتی تعدیل کند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، ویژگی‌های شرکت، اجتناب مالیاتی، سودآوری، اندازه شرکت و اهرم مالی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه دفاع ملی، ma_alizadeh87@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد مدیریت مالی، دانشگاه شاهد، (نویسنده مسئول)، jamaljaliliyan@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری اقتصاد (پولی)، دانشگاه رازی کرمانشاه، derakhshan.haidary@gmail.com
۴. مدرس دانشگاه، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، N_t_62@yahoo.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

۱- مقدمه

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت، نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشور، آن‌ها را در محل‌های مناسب خرج می‌کند. اجتناب مالیاتی و فرار از پرداخت مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن،۲۰۱۰). مالیات، هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی که به‌نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به‌عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به‌منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. به‌طور متداول، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیاتی اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین، ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (پور حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، درواقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است؛ بنابراین از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانینی محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳)، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و از این‌رو تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. در اغلب موارد پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است. در پژوهش‌های قبلی رابطه بین ویژگی‌های شرکت‌ها با استفاده از معیارهای مختلف مانند سودآوری، اهرم و اندازه در برابر اجتناب مالیاتی بررسی‌شده است، به‌عنوان‌مثال پراتاما (۲۰۱۷) از سودآوری، نفوذ، سن و اندازه به‌عنوان معیاری برای ویژگی‌های شرکت استفاده کرده است. همچنین ایریانتو و همکاران (۲۰۱۷) از سودآوری، اهرم، اندازه و شدت سرمایه به‌عنوان معیارهای برای ویژگی‌های شرکت استفاده کرده اند. علاوه بر این، مطالعات متعددی وجود دارد که اثرات سودآوری، اهرم و میزان اجتناب مالیات را مورد بررسی قرار داده‌اند (کیم و ایم،۲۰۱۷؛ سالاوودین، ۲۰۱۷).

بعضی از محققان، مدیریت سود را به‌عنوان عامل دیگری که بر اجتناب مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

تأثیر گذار بوده را مورد بررسی قرار دادند. یکی از عواملی که مدیران شرکت‌ها را برای مدیریت سود تشویق می‌کند، انگیزه مالیاتی است (اسکات ۲۰۰۹). بادرسچر و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که بسیاری از شرکت‌ها مدیریت سود را به منظور اجتناب از مالیات انجام می‌دهند. بر اساس نظریه نمایندگی، مدیران شرکت‌ها توانایی تبدیل و دستکاری اطلاعات را دارند (بصری و بوچاری، ۲۰۱۷). مدیران شرکت می‌توانند جایگزین‌ها و روش‌های حسابداری مورد استفاده برای ثبت هر معامله‌ای را به کار بگیرند. همچنین مدیران شرکت‌ها می‌توانند انگیزه‌ای برای افزایش سود برای اهداف گزارشگری مالی و کاهش سود برای اهداف گزارش مالیاتی داشته باشند (کوه و لی، ۲۰۱۵). ناسازگاری بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی اجازه می‌دهد تا شرکت‌ها مدیریت سود را انجام دهند، به‌طوری‌که سود مالیاتی که اعمال می‌شود کاهش می‌یابد (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین این مطالعه به بررسی اثر ویژگی‌های شرکت شامل سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی پرداخته است. همچنین این مطالعه تلاشی به منظور بررسی اثر تعدیل‌کننده مدیریت سود بر رابطه بین ویژگی‌های شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت بوده است. استفاده از مدیریت سود به‌عنوان متغیر تعدیل گر، این مطالعه را از پژوهش‌های قبلی متمایز می‌کند؛ بنابراین انتظار می‌رود این مطالعه بینش‌های جدید و واضحی درباره اقدامات اجتناب مالیاتی ارائه دهد.

۲- مبانی نظری

اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی فرآیندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت ازجمله سهامداران می‌شود. از این‌رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند؛ بر اساس این مفهوم، دیرینگ و همکاران (۲۰۰۷) اجتناب مالیاتی را به‌عنوان «توانایی پرداخت مقدار کمی از مالیات بر درآمد نقدی نسبت به سود قبل از مالیات شرکت» تعریف کرده‌اند. نظریه‌ای وجود دارد که بیان می‌کند اجتناب مالیاتی مستلزم محدود کردن جریان اطلاعات خاص از شرکت برای جلوگیری از تشخیص توسط مقامات مالیاتی است. یافته‌های چن و همکاران (۲۰۱۱) و کیم و همکاران (۲۰۱۰) حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی اثر سوء بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها دارد، همچنین اجتناب از مالیات مستلزم استفاده از ساختار پیچیده‌ای است که به مدیران اجازه می‌دهد معیارهای عملکرد شرکت را دست‌کاری کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹) با فرض اینکه شرکت‌ها به‌طور بالقوه با تعارضات نمایندگی مواجه هستند، تأثیر منفی اجتناب مالیاتی بر محیط اطلاعاتی شرکت به مدیران امکان می‌دهد که منابع شرکت را در درازمدت منحرف کنند (کیم و همکاران،۲۰۱۰). این استدلال بیانگر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

آن است که اجتناب مالیاتی می‌تواند به ضرر منافع سهامداران یک شرکت باشد. همان‌طور که دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) ذکر می‌کنند، "مدیران فرصت‌طلب می‌توانند از تکنیک‌های اجتناب مالیاتی برای پیشبرد منافع خود و ایجاد تنش بین مدیران و سهامداران در اجتناب از مالیات، استفاده کنند".

مدیریت سود

مدیران با اختیار خود با استفاده از طیف گسترده‌ای از روش‌ها مدیریت سود را به کار می‌گیرند و با انجام معاملات خاص (به‌اصطلاح مدیریت سود واقعی) به دست‌کاری اقلام تعهدی می‌پردازند (مارکاریان و همکاران، ۲۰۰۸). همه افراد در همه حال به دنبال منافع شخصی خود هستند و اگر بخواهیم به‌طور منطقی گذری بر این موضوع داشته باشیم، مدیران شرکت‌ها را نیز عضوی از این قاعده قلمداد می‌کنیم. به‌طوری‌که آنان نیز همیشه به دنبال حداکثر سازی منافع شخصی و موقعیت شغلی و رفاه اجتماعی و اقتصادی خود هستند و از آنجا که رسیدن به این منافع در گرو جذب سرمایه‌گذاران بیشتر، پویایی، انعطاف‌پذیری و داشتن وضعیت ثبات در شرکت است، مدیران سعی می‌کنند تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهامداران و سایر افراد ذینفعی که تصمیمات آن‌ها در تعیین موقعیت واحد تجاری مؤثر است، ارائه نمایند. مدیریت سود (دست‌کاری سود) زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات برای گمراه کردن بعضی ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان دولت، سرمایه‌گذاران) درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا برای اینکه نتایج قراردادی که بر ارقام حسابداری گزارش‌شده وابسته است را تحت تأثیر قرار دهند، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کنند. طبق نظر ویلد و همکارانش (۲۰۰۱) مدیریت سود به «مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد»، اطلاق می‌گردد.

سودآوری و اجتناب مالیاتی

عملکرد مدیریت یک شرکت می‌تواند با سطح سودآوری شرکت اندازه‌گیری شود. بر اساس نظریه نمایندگی، دولت به‌عنوان مدیر اصلی به دنبال به حداکثر رساندن درآمد مالیاتی است، درحالی‌که مدیر شرکت به‌عنوان یک نماینده به دنبال کاهش بار مالیاتی است که باید پرداخت شود (ایریانتو و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، شرکت‌هایی که سطح بالاتری از سودآوری دارند، تمایل به اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری دارند (ایریانتو و همکاران،۲۰۱۷). بر اساس طرح فرضیه پاداش، شرکت‌هایی که درآمد بیشتری کسب می‌کنند، بیشتر تمایل دارند درآمد خود را از طریق کاهش هزینه‌های مالیات، افزایش دهند (گودفری، ۲۰۱۰). از طرفی نتایج مطالعات پراتاما، (۲۰۱۷)؛ ایریانتو و همکاران (۲۰۱۷)؛ سالاوودین (۲۰۱۷) و نور و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که سودآوری تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی

در خصوص مالیات و اندازه شرکت مطالعات مختلفی در اقصی نقاط جهان صورت پذیرفته است. مبانی نظری این تحقیقات عموماً بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی می‌باشند؛ که رابطه مالیات و اندازه شرکت از مجرای آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجه با هزینه‌های سیاسی می‌باشند؛ در نتیجه انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل فرضیه قدرت سیاسی قرار دارد که توسط سالامون و سیگفرید (۱۹۷۷) توسعه یافت. طبق این فرضیه، شرکت‌های بزرگ‌تر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر بهره می‌برند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی، لابی‌گری‌هایی که می‌نمایند درصدد اثرگذاری بر قوانین می‌باشند. هرچند که برخی محققین معتقدند فرضیه هزینه سیاسی ممکن است در کشورهای در حال توسعه برقرار نباشد؛ چرا که در چنین کشورهایی دولت ناگزیر است که برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه ملی، با شرکت‌های بزرگ تعامل و همکاری بیشتری برقرار نماید که این امر می‌تواند در امتیازات مالیاتی متبلور شود (سروستانی، ۱۳۹۱). با این تفاسیر می‌توان انتظار داشت رابطه معناداری بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی وجود داشته باشد (مهرانی و سیدی،۱۳۹۳).

اهرم مالی و اجتناب مالیاتی

نسبت اهرم مالی، توانایی شرکت برای برآوردن تمام بدهی‌های آن را توصیف می‌کند. شرکت‌هایی با نسبت‌های اهرمی بالاتر، از هزینه‌های بهره بر روی بدهی‌ها برای کاهش میزان مالیات بر درآمد استفاده می‌کنند (مینیک و نوگا،۲۰۱۰). تأمین مالی بدهی مزایای مالیاتی را برای شرکت‌ها ارائه می‌دهد، زیرا پرداخت سود وام‌ها به‌طورکلی می‌تواند مالیات محسوب شود (کوه و لی، ۲۰۱۵). بنابراین، مدیریت شرکت تمایل دارد از بدهی‌ها در سطح مطلوب استفاده کند تا بار مالیاتی که باید پرداخت شود، به حداقل برسد. نتایج مطالعات انجام شده توسط سالاوودین (۲۰۱۷)؛ نوگراها و میرانتو (۲۰۱۵)؛ دلگادو و همکاران (۲۰۱۲)، نور و همکاران (۲۰۱۰) و ریچاردسون و لانیس (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که اهرم مالی تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد.

۳- تأثیر سودآوری بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کنندگی مدیریت سود

سطح درآمد حاصل خدمات شرکت با میزان مالیات قابل پرداخت توسط شرکت رابطه دارد. هرچه درآمد کسب شده بیشتر باشد، مالیات مربوط به آن نیز بیشتر خواهد بود. یکی از تکنیک‌هایی که برای دست‌کاری درآمد استفاده می‌شود، مدیریت سود یا درآمد می‌باشد. از طرفی سود به‌عنوان یک ابزار برای شرکت جهت اجتناب از مالیات استفاده می‌شود (بادرسچر و همکاران، ۲۰۰۹؛ اسکات،

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

۲۰۰۹). فرانک و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود بین گزارشگری مالی تهاجمی و پرخاشگری گزارش مالیاتی رابطه مثبت را بدست آوردند. از آنجا که مدیران شرکت خواهان حداکثر دریافت پاداش هستند؛ بنابراین گزارش مالی مهاجم توسط شرکت در قالب اقداماتی جهت افزایش سود صورت می‌گیرد. همچنین، شرکت‌هایی که سودآوری بالایی دارند، تمایل به انجام اقدامات اجتناب مالیاتی به‌منظور کاهش بدهی‌های مالیاتی خود خواهند داشت (دلگادو و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین فرضیه هزینه‌های سیاسی بیان می‌کند که شرکت‌ها مدیریت سود را با کاهش درآمدها به‌منظور حداقل رساندن مالیات پرداختی انجام خواهند داد. این شیوه مدیریت درآمد توسط مدیریت شرکت انجام می‌شود.

۴- تأثیر مدیریت سود بر رابطه بین اهرم بدهی و اجتناب مالیاتی

نتایج برخی مطالعات نشان می دهد که اهرم مالی با سطح مدیریت سود شرکت مرتبط است. نسبت بدهی بالاتر نشان‌دهنده بالا بودن وابستگی به سرمایه‌گذاران خارجی و درنتیجه بالا بودن هزینه‌های بهره پرداختی توسط شرکت است (آستوتی و همکاران، ۲۰۱۷). اگر سطح بدهی‌های بالا باشد، شرکت تمایل دارد تا مدیریت سود را افزایش دهد. در این راستا شرکت، مدیریت سود را برای افزایش بدهی به‌منظور کاهش سود و درنتیجه کاهش مالیات پرداختی انجام خواهد داد.

۵- تأثیر مدیریت سود بر رابطه بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی

نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مدیریت سود نیز با اندازه شرکت‌ها مرتبط است. به‌طورکلی شرکت‌های بزرگ فعالیت‌های تجاری و معاملات مالی بیشتری را نسبت به کسب و کارهای کوچک انجام می‌دهند (ریگو، ۲۰۰۳). از طرفی دیرنج و همکاران (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که اندازه شرکت نقش مهمی در مدیریت سود دارد؛ درحالی که شرکتهای کوچک‌تر نرخهای مالیاتی بالاتری دارند. در این راستا نظریه هزینه‌های سیاسی نشان می دهد که شرکت‌ها از رویهها و روشهایی استفاده می‌کنند تا سود خود را کمتر نشان دهند. این هدف به‌منظور کاهش بار مالیاتی است که باید پرداخت شود. این وضعیت نشان می‌دهد که اندازه شرکت می‌تواند باعث مدیریت سود و حداقل رساندن بار مالیاتی شود.

۶- پیشینه پژوهش

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی حاکمیت شرکتی، انگیزه‌ها و اجتناب از مالیات را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین استقلال هیأت‌مدیره با اجتناب از مالیات در چارک اول رابطه مثبت و در چارک چهارم رابطه منفی وجود دارد؛ اما در رگرسیون کلی رابطه‌ای میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات یافت نشد.

دهرما و آردیانا (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر اهرم، نسبت دارایی ثابت، اندازه شرکت و ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار اندونزی مورد بررسی قرار دادند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

نتایج نشان داد که اهرم و نسبت دارایی ثابت تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارند. اما تأثیر اندازه شرکت بر اجتناب مالیات منفی بدست آمد، درحالی‌که ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیات نداشته است.

ایریانتو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی اثرات سودآوری، اهرم، اندازه و شدت سرمایه را بر اجتناب مالیاتی موردبررسی قراردادند. نتیجه این مطالعه نشان داد که سودآوری ، شدت سرمایه اثر منفی بر اجتناب مالیات داشته، اما اندازه شرکت و اهرم تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی داشتند.

سالاوودین (۲۰۱۷) در پژوهشی تأثیرات اندازه، اهرم، شدت سرمایه، سودآوری و ماهیت کسب‌وکار پنجاه‌وپنج شرکت در بورس اوراق بهادار نیجریه را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که اندازه، اهرم، شدت سرمایه، سودآوری و ماهیت کسب‌وکار تأثیر منفی بر اجتناب مالیات دارد.

کیم و ایم (۲۰۱۷) در پژوهشی سودآوری، اهرم مالی، جریان نقدی عملیاتی، شدت سرمایه و هزینه تحقیق و توسعه بر اجتناب مالیاتی را در شرکت‌های بورسی کره‌ای مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که سودآوری، اهرم، جریان نقدی عملیاتی، شدت سرمایه، شدت تحقیق و توسعه و نرخ رشد تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی داشته است.

رانیا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل گر مدیریت سود در شرکت‌های بورسی اندونزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شرکت شامل سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر منفی و معنادار بر اجتناب مالیاتی دارند. شدت تأثیر اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی بیشتر از سایر موارد بدست آمد. همچنین نتایج نشان داد که مدیریت سود اثرات سودآوری و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد، ولی مدیریت سود نمی‌تواند اثر اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی را تعدیل کند.

خانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت باشد، دارای نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی هستند که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت نیست که این امر نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است.

سیدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی را بررسی نمودند. برای انجام این تحقیق، داده‌های ۱۴۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی ۱۲۲۷ سال- شرکت به‌صورت الگوی پنل نامتوازن؛ مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه معنادار و منفی بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه معنادار و مثبت بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت را بررسی نمودند. برای انجام این تحقیق، داده‌های ۹۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق موردبررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

مهران پور و همکاران(۱۳۹۶) به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات پرداختند. برای این منظور، اطلاعات ۱۰۳ شرکت درسال های ۱۳۹۰تا ۱۳۹۴ و روش حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد کیفیت افشا، بیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس، محدودیت مالی و اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات اثر معنادار و مثبتی دارد. از طرفی رابطه معناداری بین رقابت بازار محصول، استقلال هیأت‌مدیره و محافظه‌کاری با اجتناب از مالیات مشاهده نشد. نتایج همچنین بیانگر آن است که اجتناب از مالیات بر بازده دارایی‌ها و ارزش‌افزوده اقتصادی اثر معناداری ندارد ولی بر بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی اثر معنادار و مثبتی دارد.

حسنی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. جامعهٔ آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ بود. در این پژوهش برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو سنجهٔ نرخ مؤثر مالیات نقدی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهندهٔ تأثیر غیرمستقیم اندازهٔ شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.

۷- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: سودآوری تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

فرضیه دوم: اهرم مالی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

فرضیه سوم: اندازه شرکت تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

فرضیه چهارم: مدیریت سود بر رابطه بین سودآوری و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: مدیریت سود بر رابطه بین اهرم بدهی و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ششم: مدیریت سود بر رابطه بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

۸- روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. این پژوهش ازنظر روش در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای تجربی (به دنبال بیان رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته) و پس رویدادی (با توجه به اطلاعات گذشته) است. همچنین با توجه به تقسیم‌بندی برحسب روش تحقیق، پژوهش حاضر بر اساس روش‌های توصیفی و علّی صورت گرفته و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. داده‌های این پژوهش مبتنی بر ارقام و اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها است که از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری می‌شوند. به‌منظور تجزیه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده و داده‌ها در صفحه گسترده Excel مرتب و طبقه‌بندی شده‌اند و سپس با نرم‌افزار EViews مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته‌اند.

۹- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش برای یک دوره پنج‌ساله (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵) که شامل ۶۱ شرکت هست، مورد بررسی قرارگرفته است. برای نمونه‌گیری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است و شرکت‌هایی که دارای کلیه شرایط زیر بودند به‌عنوان نمونه انتخاب‌شده‌اند.

شرکت‌های انتخابی جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و مؤسسه‌های بیمه نبوده است.

شرکت طی دوره قلمرو زمانی تغییر سال مالی نداده باشد.

پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفندماه باشد.

اطلاعات مالی مورد نیاز در رابطه با این‌گونه شرکت‌ها در دسترس باشد.

شرکت هایی که در آنها مدیریت سود در سطح بالاتری است.

شرکت‌ها باید طی دوره زمانی پژوهش در بورس اوراق بهادار توقف معاملاتی نداشته باشند (۶ ماهه). از آنجایی که یکی از مهمترین محدودیت های تحقیق انتخاب شرکتهایی با مدیریت سود بالا می‌باشد به همین دلیل تعداد نمونه آماری محدود به ۶۱ شرکت شده اما از طرفی به دلیل اینکه از روش پانل دیتا استفاده شده است و تعداد مشاهدات ۳۰۵ می‌باشد بنابراین از نظر تعداد، حجم نمونه تحقیق از کفایت لازم برخوردار می‌باشد.

۱۰- متغیرهای تحقیق و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

در این پژوهش برای محاسبه اجتناب مالیاتی از فرمول هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) استفاده شده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

هرچه مقدار نرخ مؤثر مالیات بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتر و بر عکس.

$$GETR_{it} = \frac{TXT_{it}}{PI_{it}}$$

GETR: نرخ مالیات مؤر بر اساس اصول پذیرفته شده ی حسابداری

TXT: کل هزینه مالیاتی شرکت i برای دوره زمانی t

PI: درآمد قبل مالیات شرکت i برای دوره زمانی t

متغیر مستقل: ویژگی‌های شرکت

در این پژوهش برای محاسبه ویژگی‌های شرکت از سه متغیر سودآوری، اهرم بدهی و اندازه شرکت استفاده شده است.

اندازه شرکت: در تحقیق حاضر همانند تحقیقات چو و کیم (۲۰۰۳)، عارف و همکاران (۲۰۰۷) و واورو (۲۰۱۴) از لگاریتم طبیعی خالص فروش، جهت سنجش اندازه شرکت استفاده می‌گردد.

اهرم مالی: در این تحقیق مشابه با مطالعات تجربی دانرو و کیم (۲۰۰۵) و واورو (۲۰۱۴) برای سنجش اهرم مالی، از نسبت بدهی که از تقسیم مجموع بدهی بر ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد، استفاده‌شده است.

سودآوری: در تحقیق حاضر مطابق با پژوهش عارف و همکاران (۲۰۰۷) و واورو (۲۰۱۴) از بازده حقوق صاحبان سهام برای سنجش سودآوری شرکت استفاده می‌شود.

متغیر تعدیل گر: مدیریت سود

محققانی چون آناند (۲۰۱۱) و شمار زیادی از محققان دیگر در مطالعات خود جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز ارائه شده توسط دچو و همکاران (۱۹۹۵) استفاده کرده‌اند. در این پژوهش نیز برای اندازه‌گیری متغیر وابسته (مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار) از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده‌شده است.

برای محاسبه میزان مدیریت سود از معیار میزان قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری (eit) محاسبه‌شده از طریق الگوی تعدیل‌شده جونز (دچو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شده است، بدین‌صورت که هرچه این رقم کمتر باشد، کیفیت سود نیز بالاتر خواهد بود. الگوی مورداستفاده به‌صورت رابطه زیر می‌باشد:

$$TACCit = (\Delta CAit - \Delta CASHit) - (\Delta DCLit - \Delta STDit) - DEPit$$

متغیرها به شرح زیر هستند:

ΔCAit: تغییر در دارایی‌های جاری سال جاری نسبت به سال قبل

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

ΔCASHit: تغییر در وجه نقد سال جاری نسبت به سال قبل

ΔDCLit: تغییر در بدهی‌های سال جاری نسبت به سال قبل

ΔSTDit: تغییر در حصه کوتاه‌مدت بدهی‌های بلندمدت سال جاری نسبت به سال قبل

DEPit: هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود سال جاری

$$(\frac{\mathrm{TACC}}{\mathrm{TA_{i,t-1}}})_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1(\frac{1}{\mathrm{TA_{i,t-1}}}) + \alpha_2(\frac{\Delta \mathrm{Sale_{i,t}} - \Delta \mathrm{Rec_{i,t}}}{\mathrm{TA_{i,t-1}}})_{i,t} + \alpha_3(\frac{\mathrm{PPE}}{\mathrm{TA_{i,t-1}}})_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این الگو داریم:

TACC: کل اقلام تعهدی که دوره t برای شرکت i وجود دارد.

TA: ارزش دفتری کل دارایی‌ها در ابتدای دوره

ΔSale: تغییرات درفروش خالص بین دو دوره t و t-۱

ΔRec: تغییرات در حساب‌های دریافتنی بین دو دوره t و t-۱

PPE: دارایی‌های ثابت و تجهیزات

پس از تخمین الگو، جملات باقیمانده (eit) به‌عنوان اقلام تعهدی اختیاری برای هرسال شرکت در نظر گرفته‌شده و به‌وسیله‌ی |DA| نشان داده شده است.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از مدل‌های زیر بهره گرفته‌شده است که الگوهای مزبور به شرح زیر می‌باشد:

مدل (۱) $ETR_{it}=\alpha+\beta1ROA_{it}+\beta2DER_{it}+\beta3SIZE_{it}+DA_{it}+e_{it}$

مدل اول؛ در این مطالعه اثر ویژگی‌های شرکت که شامل سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت است را بر اجتناب مالیاتی بررسی می‌کند.

مدل (۲)

$ETR_{it}=\alpha+\beta1ROA_{it}+\beta2DER_{it}+\beta3SIZE_{it}+\beta4DA_{it}+\beta5(ROA*DA)_{it}+\beta6(DER*-DA)_{it}+\beta7(SIZE*DA)_{it}+e_{it}$

مدل دوم؛ این مدل مدیریت سود را به‌عنوان متغیر تعدیل گر بر رابطه بین ویژگی‌های شرکت و اجتناب مالیاتی بررسی می‌کند.

که در این مدل‌ها

ETR: نرخ مؤثر مالیاتی

ROA: سودآوری

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

DER: اهرم مالی

SIZE: اندازه شرکت

DA: مدیریت سود

eit: جزء خطا

۱۱- یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش که با استفاده از داده‌های ۶۱ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌های زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ اندازه‌گیری شده‌اند.

جدول (۱)- آمار توصیفی

متغیرهای تحقیق	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	تعداد مشاهدات
بازده حقوق صاحبان سهام	۰,۲۴۶۲۶۱	۰,۲۳۲۶۳۷	۰,۸۵۸۳۲۳	-۰,۵۷۷۵۲	۰,۲۵۴۰۶۱	-۰,۱۷۹۲۶	۲,۹۷۹۳۳۹	۳۰۵
اهرم مالی	۰,۶۳۶۸۷۱	۰,۶۳۸۰۴۱	۱,۱۸۸۹۰۹	۰,۱۸۳۶۲۱	۰,۱۷۱۶۰۷	-۰,۰۴۱۶۷	۳,۰۴۹۲۷۳	۳۰۵
اندازه شرکت	۱۲,۰۲۵۶۰	۱۱,۹۸۶۹۸	۱۴,۴۱۱۳۷	۱۰,۳۹۵۶۶	۰,۶۰۳۲۲۰	۰,۶۰۵۶۲۷	۴,۷۶۶۹۱۵	۳۰۵
مدیریت سود	۰,۰۰۰۰۰۱۴	۰,۰۰۰۰۰۰۵۷	۰,۰۰۰۰۲۲	۱۰-۲,۱۵E	۰,۰۰۰۰۰۲۶	۳,۶۷۲۳۵۹	۱۹,۸۴۲۵۳	۳۰۵
نرخ مؤثر مالیاتی	۰,۱۴۸۶۳۷	۰,۱۲۵۳۰۵	۰,۸۶۱۸۶۲	-۰,۶۷۵۴۶	۰,۱۸۲۶۰۵	۰,۶۴۰۰۸۵	۶,۰۰۰۷۶۰	۳۰۵

منبع: یافته‌های محقق

برای جلوگیری از کاذب بودن نتایج رگرسیون با استفاده از آزمون پایایی لین، لوین و چاو پایایی متغیرهای مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون فوق در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲) - نتایج آزمون پایایی

متغیرهای تحقیق	آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
بازده حقوق صاحبان سهام	-۱۸,۹۰۲۳	۰,۰۰۰۰	پایا
اهرم مالی	-۱۱,۵۳۲۸	۰,۰۰۰۰	پایا

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

متغیرهای تحقیق	آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
اندازه شرکت	-۲۳,۰۲۹۲	۰,۰۰۰۰	پایا
مدیریت سود	-۸۱,۴۷۳۱	۰,۰۰۰۰	پایا
نرخ مؤثر مالیاتی	-۴۰,۲۰۶۸	۰,۰۰۰۰	پایا

منبع: یافته‌های محقق

برای جلوگیری از کاذب بودن نتایج رگرسیون با استفاده از آزمون همبستگی[1]، همخطی بین متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون فوق در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۳)- نتایج آزمون همخطی

متغیرهای مستقل	مدیریت سود	اهرم مالی	بازده حقوق صاحبان سهام	اندازه شرکت	اهرم*مدیریت سود	بازده حقوق صاحبان سهام* مدیریت سود	اندازه شرکت*مدیریت سود
مدیریت سود	۱	-۰,۱۲	-۰,۰۳	-۰,۳۸	۰,۹۳	۰,۵۹	۰,۹۹
اهرم مالی	-۰,۱۲	۱	-۰,۲	۰,۳۶	۰,۰۶	-۰,۲۱	-۰,۱۱
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۰۳	-۰,۲	۱	۰,۱۶	- ۰,۰۸	۰,۳۸	-۰,۰۲
اندازه شرکت	-۰,۳۸	۰,۳۶	۰,۱۶	۱	-۰,۳۲	-۰,۱۵	-۰,۳۷
اهرم*مدیریت سود	۰,۹۳	۰,۰۶	-۰,۰۸	-۰,۳۲	۱	۰,۴۱	۰,۹۴
بازده حقوق صاحبان سهام* مدیریت سود	۰,۵۹	-۰,۲۱	۰,۳۸	-۰,۱۵	۰,۴۱	۱	۰,۶
اندازه شرکت*مدیریت سود	۰,۹۹	-۰,۱۱	-۰,۰۲	-۰,۳۷	۰,۹۴	۰,۶	۱

منبع: یافته‌های محقق

۱. زمانی که از روش پانل دیتا استفاده می‌شود نمی توان از آماره تورم (VIF) استفاده نمود، بنابراین از آزمون همبستگی استفاده شده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

نتایج آزمون همخطی نشان می‌دهد که بین متغیرهای مدیریت سود با اهرم*مدیریت سود و اندازه شرکت*مدیریت سود مشکل همخطی کامل وجود دارد همچنین اندازه شرکت*مدیریت سود با اهرم*مدیریت سود همخطی کامل دارد که متغیرهای فوق نباید در یک مدل کنار هم آورده شوند در نتیجه مدل ۲ به دو مدل تبدیل خواهد شد. لازم به ذکر است که همخطی ناقص و ضعیف بین متغیرها امری طبیعی است.

با استفاده از آزمون F لیمر، امکان اینکه بتوان از رگرسیون پانل دیتا استفاده کرد یا خیر؟ مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین نوع اثرات بین مقاطع مورد با استفاده از آزمون هاسمن بررسی شده است. نتایج آزمون‌های فوق در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۴) - نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

	آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
آزمون F لیمر-مدل ۱	۱,۵۰۲۹۱۵	۰,۰۱۷۳	استفاده از روش پانل دیتا
آزمون F لیمر-مدل ۲(بدون در نظر گرفتن متغیر اندازه*مدیریت سود)	۱,۴۷۱۲۷۸	۰,۰۲۲۸	استفاده از روش پانل دیتا
آزمون F لیمر-مدل ۲ (بدون در نظر گرفتن متغیر اهرم مالی*مدیریت سود)	۱,۴۸۹۱۱۰	۰,۰۱۹۶	استفاده از روش پانل دیتا
آزمون هاسمن- مدل ۱	۷,۱۳۸۴۶۹	۰,۱۲۸۷	وجود اثرات تصادفی
آزمون هاسمن- مدل ۲ (بدون در نظر گرفتن متغیر اندازه*مدیریت سود)	۵,۴۶۳۵۷۱	۰,۳۶۲۰	وجود اثرات تصادفی
آزمون هاسمن- مدل ۲(بدون در نظر گرفتن متغیر اهرم مالی*مدیریت سود)	۶,۲۸۲۰۸۲	۰,۲۷۹۷	وجود اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های محقق

جهت بررسی فرضیه تحقیق از آزمون رگرسیون پانل دیتا استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

جدول (۵)- نتایج فرضیه تحقیق-مدل ۱

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	نتیجه تأثیر
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۰۵۳۳۶۷	-۲,۴۶۳۰۸۵	۰,۰۱۴۵	معنی‌دار
اهرم مالی	۰,۰۷۳۶۰۷	۳,۴۳۷۶۶۴	۰,۰۰۰۷	معنی‌دار
اندازه شرکت	۰,۰۴۲۶۶۹	۳,۴۳۶۴۱۱	۰,۰۰۰۷	معنی‌دار
مدیریت سود	۱۰۱۴,۹۰۳	۲,۰۵۹۷۵۳	۰,۰۴۰۵	معنی‌دار
مقدار ثابت	-۰,۳۹۹۷۱۹	-۲,۴۹۷۶۱۴	۰,۰۱۳۲	معنی‌دار
ضریب تعیین	۰,۷۹۶۰۵۷	آماره F		۱۴,۶۳۷۴۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۷۴۱۶۷۲	سطح معنی‌داری F		۰,۰۰۰
آماره دوربین واتسون	۲,۱۲۵۶۰۷			

* متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات
منبع: یافته‌های محقق

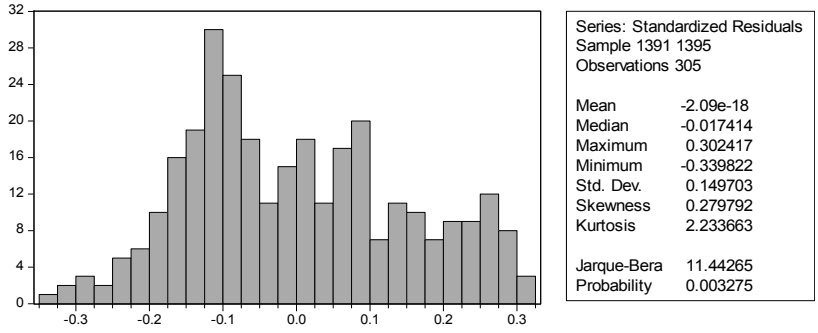
بر اساس جدول بالا متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی، اندازه شرکت و مدیریت سود بر نرخ مؤثر مالیات تأثیر معنادار دارند. با توجه به علامت ضریب رگرسیون می‌توان گفت که بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر منفی بر نرخ مؤثر مالیات دارد؛ یعنی با افزایش (کاهش) بازده حقوق صاحبان سهام؛ نرخ مؤثر مالیات کاهش (افزایش) می‌یابد؛ اما اهرم مالی، اندازه شرکت و مدیریت سود تأثیر مثبتی بر نرخ مؤثر مالیات دارد؛ یعنی با افزایش (کاهش) اهرم مالی، اندازه شرکت و مدیریت سود؛ نرخ مؤثر مالیات افزایش (کاهش) می‌یابد. همچنین مقدار ثابت معادله هم معنی‌دار است و در معادله نهایی وارد می‌شود.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه‌های اول، دوم و سوم مورد پذیرش قرار می‌گیرد یعنی متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر معناداری بر نرخ مؤثر مالیات دارد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین بازده حقوق صاحبان سهام و اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم (با نرخ مؤثر مالیات رابطه معکوس) و بین اهرم مالی و اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه معکوسی (با نرخ مؤثر مالیات رابطه مستقیم) وجود دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

با توجه به جدول بالا مقدار آماره دوربین –واتسون حاکی از عدم وجود مشکل خود همبستگی است. همچنین بر اساس احتمال آماره F (F□۰,۰۵) معادله رگرسیون در کل معنادار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده‌ی مدل برابر ۰,۷۴ می‌باشد که نشان می‌دهد ۷۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته، قابل استناد به تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی می‌باشد و بقیه تغییرات متغیر وابسته، ناشی از تغییرات سایر عوامل می‌باشد که در اینجا نادیده گرفته شده‌اند.

شکل (۱)- نتایج آزمون جارک-مدل ۱



نتایج حاصل از بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که توزیع باقیمانده‌ها نزدیک به نرمال است. از طرفی طبق قضیه حد مرکزی از آنجایی که تعداد مشاهدات زیاد است می‌توان گفت که توزیع باقیمانده شبیه به نرمال بوده و از این نظر مشکلی وجود ندارد.

جدول (۶)- نتایج فرضیه تحقیق-مدل ۲(بدون در نظر گرفتن متغیر اندازه*مدیریت سود)

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	نتیجه تأثیر
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۰۳۶۰۷۹	-۱,۳۹۵۸۴۰	۰,۱۶۴۱	بی‌معنی
اهرم مالی	۰,۰۶۵۱۸۹	۲,۶۰۹۰۱۰	۰,۰۰۹۷	معنی‌دار
اندازه شرکت	۰,۰۳۴۸۷۵	۳,۵۸۲۱۰۱	۰,۰۰۰۴	معنی‌دار
بازده حقوق صاحبان سهام *مدیریت سود	-۵۶۵۷,۶۰۹	-۸,۶۹۹۱۰۳	۰,۰۰۰۰	معنی‌دار
اهرم مالی *مدیریت سود	۱۸۵۴,۵۵۳	۶,۴۳۵۴۹۹	۰,۰۰۰۰	معنی‌دار
مقدار ثابت	-۰,۳۰۳۰۹۲	-۲,۳۵۵۲۷۷	۰,۰۱۹۳	معنی‌دار
ضریب تعیین	۰,۷۷۴۷۳۳	آماره F		۱۲,۶۴۵۶۲

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	نتیجه تأثیر
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۷۱۳۴۶۸			
آماره دوربین واتسون	۲,۰۹۹۸۹۶	سطح معنی‌داری F		۰,۰۰۰

* متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات
منبع: یافته‌های محقق

جدول (۷)- نتایج فرضیه تحقیق-مدل ۲(بدون در نظر گرفتن متغیر اهرم مالی*مدیریت سود)

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معنی‌داری	نتیجه تأثیر
بازده حقوق صاحبان سهام	-۰,۰۵۴۸۷۰	-۱,۸۸۳۱۷	۰,۰۶۰۲	بی‌معنی
اهرم مالی	۰,۰۹۰۱۷۳	۳,۳۴۳۹۸۲	۰,۰۰۱۰	معنی‌دار
اندازه شرکت	۰,۰۳۷۸۵۴	۴,۵۷۹۵۸۱	۰,۰۰۰۰	معنی‌دار
بازده حقوق صاحبان سهام *مدیریت سود	-۷۲۵۸,۳۳۰	-۵,۰۲۹۸۵۰	۰,۰۰۰۰	معنی‌دار
اندازه شرکت *مدیریت سود	۲۱۵,۷۹۸۱	۳,۰۵۸۰۶۳	۰,۰۰۲۵	معنی‌دار
مقدار ثابت	-۰,۳۵۱۷۱۳	-۳,۱۳۵۳۲۳	۰,۰۰۱۹	معنی‌دار
ضریب تعیین	۰,۷۲۹۰۲۴	آماره F		۹,۸۹۲۲۶۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۶۵۵۳۲۸	سطح معنی‌داری F		۰,۰۰۰
آماره دوربین واتسون	۲,۰۹۷۰۶۹			

* متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات
منبع: یافته‌های محقق

بر اساس دو جدول بالا متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام* مدیریت سود، اهرم مالی* مدیریت سود و اندازه شرکت* مدیریت سود بر نرخ مؤثر مالیات تأثیر معنادار دارند. با توجه به علامت ضریب رگرسیون می‌توان گفت که بازده حقوق صاحبان سهام *مدیریت سود تأثیر منفی بر نرخ مؤثر مالیات دارد؛ یعنی با افزایش (کاهش) بازده حقوق صاحبان سهام *مدیریت سود؛ نرخ مؤثر مالیات کاهش (افزایش) می‌یابد؛ اما اهرم مالی* مدیریت سود و اندازه شرکت* مدیریت سود تأثیر مثبتی بر نرخ مؤثر مالیات دارد؛ یعنی با افزایش (کاهش) اهرم مالی* مدیریت سود و اندازه شرکت* مدیریت سود؛ نرخ مؤثر مالیات افزایش (کاهش) می‌یابد. همچنین مقدار ثابت معادله هم معنی‌دار است و در معادله

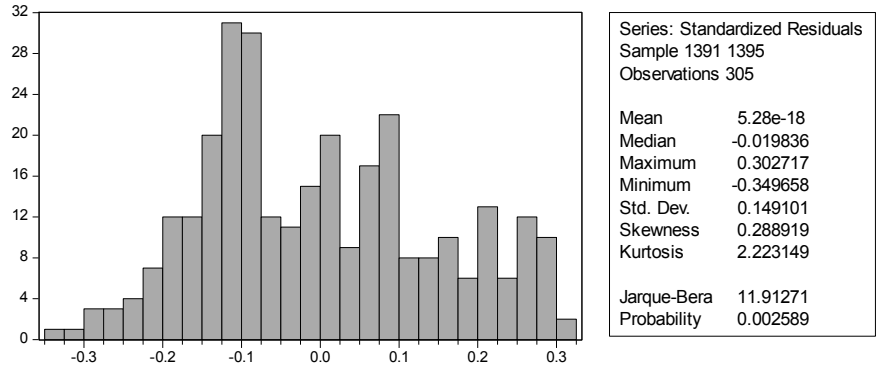
[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

نهایی وارد می‌شود.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم مورد پذیرش قرار می‌گیرد یعنی مدیریت سود تأثیر معناداری بر رابطه بین متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی و اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی دارد.

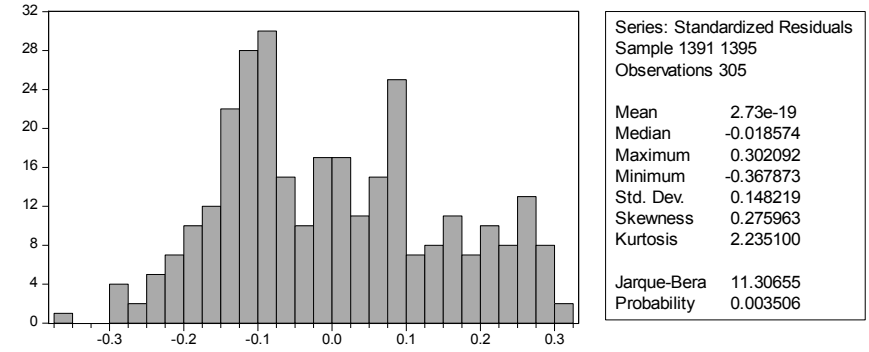
با توجه به جدول بالا مقدار آماره دوربین – واتسون حاکی از عدم وجود مشکل خود همبستگی است. همچنین بر اساس احتمال آماره (F□۰,۰۵) F معادله رگرسیون در کل معنادار می‌باشد.

شکل (۲)- نتایج آزمون جارک-مدل ۲ (بدون در نظر گرفتن متغیر اندازه*مدیریت سود)



منبع: یافته‌های تحقیقی

شکل (۳) - نتایج آزمون جارک-مدل ۲ (بدون در نظر گرفتن متغیر اهرم مالی*مدیریت سود)



منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که توزیع باقیمانده‌ها نزدیک به نرمال است. از طرفی طبق قضیه حد مرکزی از آنجایی که تعداد مشاهدات زیاد است می‌توان گفت که توزیع باقیمانده شبیه به نرمال بوده و از این نظر مشکلی وجود ندارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

۸- نتیجه‌گیری

همان‌طور که قبلاً بیان شد هدف تحقیق بررسی رابطه بین ویژگیهای شرکت و اجتناب مالیاتی و اثر تعدیل گر مدیریت سود بر رابطه آن‌ها است. نتایج تحقیق نشان داد که ویژگی‌های شرکت شامل بازده حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارند؛ که برای بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر منفی بر نرخ مؤثر مالیاتی بدست آمد؛ یعنی شرکت‌های با سودآوری بالا تمایل به اجتناب از پرداخت مالیات دارند. این موضوع به وسیله ارزش ضریب سودآوری که نشان دهنده جهت یک رابطه منفی است نشان داده شده که بدان معنی است اگر افزایش سودآوری وجود داشته باشد، نرخ مؤثر مالیات کاهش خواهد یافت و باعث می‌شود که اجتناب از مالیات در شرکت‌ها افزایش یابد. نتیجه فوق با نتایج مطالعات پراتاما (۲۰۱۷)؛ ایریانتو و همکاران (۲۰۱۷)؛ سالاوودین (۲۰۱۷) و نور و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. متغیرهای اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ مؤثر مالیاتی دارد.

اهرم مالی و اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس دارند؛ نتیجه فوق نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل اینکه بیشتر تحت نظارت دولت قرار دارند و بیشتر در معرض مواجه با هزینه‌های سیاسی می‌باشند؛ در نتیجه انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی دارند. شرکت‌هایی با نسبت‌های اهرمی بالاتری از هزینه‌های بهره بر روی بدهی‌ها برای کاهش میزان مالیات بر درآمد استفاده می‌کنند. تأمین مالی بدهی مزایای مالیاتی را برای شرکت‌ها ارائه می‌دهد، زیرا پرداخت سود وام‌ها به‌طورکلی می‌تواند مالیات محسوب شود. بنابراین، مدیریت شرکت تمایل دارد از بدهی‌ها در سطح مطلوب استفاده کند تا بار مالیاتی که باید پرداخت شود، به حداقل برسد. در نتیجه اجتناب از مالیات کاهش خواهد یافت. نتیجه فوق با نتایج مطالعات انجام شده توسط سالاوودین (۲۰۱۷)؛ نوگراها و میرانتو (۲۰۱۵)؛ دلگادو و همکاران (۲۰۱۲)، نور و همکاران (۲۰۱۰) و ریچاردسون و لانیس (۲۰۰۷) همخوانی دارد.

نتایج حاصل از فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم نشان داد که مدیریت سود تأثیر معناداری بر رابطه بین سودآوری (بازده حقوق صاحبان سهام)، اهرم مالی و اندازه شرکت با نرخ مؤثر مالیات (اجتناب مالیاتی) دارد. نتایج حاصل نشان داد که مدیریت سود تأثیر مثبتی بر رابطه سودآوری و اجتناب مالیاتی دارد. یکی از تکنیک‌هایی که برای دست‌کاری درآمد استفاده می‌شود، مدیریت سود یا درآمد می‌باشد. از طرفی سود به‌عنوان ابزاری برای شرکت در اجتناب از مالیات است. از آنجا که مدیران شرکت خواهان حداکثر دریافت پاداش هستند؛ بنابراین گزارش مالی مهاجم توسط شرکت در قالب اقداماتی جهت افزایش سود صورت می‌گیرد. همچنین، شرکت‌هایی که سودآوری بالایی دارند، تمایل به انجام اقدامات اجتناب مالیاتی به‌منظور کاهش بدهی‌های مالیاتی خود خواهند داشت.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

همچنین فرضیه هزینه‌های سیاسی بیان می‌کند که شرکت‌ها مدیریت سود را با کاهش درآمدها به‌منظور به حداقل رساندن مالیات پرداختی انجام خواهند داد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود تأثیر مثبتی بر رابطه اهرم مالی و اندازه شرکت با نرخ مؤثر مالیات (و تأثیر منفی بر رابطه اهرم مالی و اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی دارد). نسبت بدهی بالاتر نشان‌دهنده بالا بودن وابستگی به سرمایه‌گذاران خارجی و درنتیجه بالا بودن هزینه‌های بهره پرداختی توسط شرکت است. اگر سطح بدهی‌های شرکت باشد، شرکت تمایل دارد تا مدیریت سود را افزایش دهد. در این راستا شرکت، مدیریت سود را برای افزایش بدهی به‌منظور کاهش سود و درنتیجه کاهش مالیات پرداختی انجام خواهد داد. مدیریت سود نیز با اندازه شرکت‌ها مرتبط است. به‌طورکلی شرکت‌های بزرگ فعالیت‌های تجاری و معاملات مالی بیشتری را نسبت به تجارت‌های کوچک انجام می‌دهند. در این راستا نظریه‌های هزینه‌های سیاسی نشان داده است شرکت‌ها از رویه‌ها و روش‌هایی استفاده می‌کنند تا درآمد خود را کمتر نشان دهند. این هدف به‌منظور کاهش بار مالیاتی است که باید پرداخت شود. این وضعیت نشان می‌دهد که اندازه شرکت می‌تواند باعث مدیریت درآمد شود تا به حداقل رساندن بار مالیاتی پرداخت شود.

باتوجه به نتایج حاصل از تحقیق به مدیران شرکت‌ها، سهامداران، سرمایه‌گذاران و مأموران مالیاتی پیشنهاد می‌شود که برای تشخیص اینکه آیا امکان اجتناب از مالیات وجود دارد یا خیر، میزان سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت‌ها را مدنظر قرار داده زیرا شرکت‌هایی که میزان سودآوری آن‌ها بالاتر بوده امکان اجتناب از مالیات آن‌ها بیشتر خواهد بود و در صورتی که نسبت بدهی و اندازه آن‌ها بالا باشد اجتناب از مالیات آن‌ها کمتر خواهد بود. همچنین مدیریت سود به عنوان عامل مؤثر بر رابطه بین متغیرهای فوق و اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شود.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که چرخه عمر به‌عنوان عامل تعدیل‌گر رابطه متغیرهای سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی بررسی شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

فهرست منابع

۱. پورحیدری، امید. فدوی، محمد حسن، امینی نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۳، ۶۹-۸۵.

۲. حسنی القار، مسعود، شعری آناقیز، صابر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی. مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری ۸ (۱)، ۱۰۷-۱۳۴.

۳. خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، ملایی، مهنام (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۵.

۴. سروستانی، امیر (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگیهای شرکت و نوع مالکیت با نرخ مؤثر مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۵. سیدی، سید جلال، مشایخی، بیتا (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله دانش حسابداری، سال ششم، ش ۲۰، بهار ۱۳۹۴، ۸۳-۱۰۳.

۶. مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی. سال هفتم، شماره ۲۵، ۴۹-۶۴.

۷. مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت سال سوم، شماره دهم.

۸. مهربان پور، محمدرضا، آهنگری، مهناز، وقفی، سیدحسام، مام صالحی، پرویز (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری. مجله دانش حسابداری مالی، (۳)۴، ۶۵-۸۶.

9. Amertha, I. S. P., Ulupui, I. G. K. A., & Putri, I. G. A. M. A. (2014). Analysis of Firm Size, Leverage, Corporate Governance on Earnings Management Practices (Indonesian Evidence). Journal of Economics, Business and Accountancy Ventura, 17(2), 259–268. https://doi.org/10.14414/jebav.14.1702009.

10. Armstrong, C.S., Blouin, J., Jagolizner, A.and Larker, D. (2014). Corporate Governance Incentives, and Tax Avoidance. www.ssrn.com.

11. Astuti, A. Y., Nuraina, E., & Wijaya, A. L. (2017). Pengaruh Ukuran

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

Perusahaan dan Leverage Terhadap Manajemen Laba. Forum Ilmiah Pendidikan Akuntansi, 5(1), 501–514.

12. Badertscher, B. A., Katz, S. P., & Rego, S. O. (2013). The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance. Journal of Accounting and Economics, 56(2–3), 228–250. https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2013.08.005.
13. Basri, H., & Buchari, D. (2017). The Effect of Industrial and Geographic Diversifications on the Earnings Management of the Manufacturing Companies in Indonesia. Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies, 3(I), 52–63.
14. Delgado, F. J., Rodriguez, E. F., & Arias, A. M. (2012). Size and other Determinants of Corporate Effective Tax Rates in the US Listed Companies. International Research Journal of Finance and Economics, (98), 160–165.
15. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. Review of Economics and Statistics, 91(3), 537–546. https://doi.org/10.1162/rest.91.3.537.
16. Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-Run Corporate Tax Avoidance. The Accounting Review, 83(1), 61–82. https://doi.org/10.2308/accr.2008.83.1.61.
17. Frank, M. M., Lynch, L. J., & Rego, S. O. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and its Relation to Financial Reporting. The Accounting Review, 84(2), 467–496. https://doi.org/10.2308 accr.2009.84.2.467.
18. Godfrey, et al. (2010). Accounting Theory (7th ed.). New York, United States of America: John Wiley & Sons.
19. Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A Review of Tax Research. Journal of Accounting and Economics, 50(2), 127-178.
20. Irianto, B. S., Sudibyo, Y. A., & Wafirli, A. (2017). The Influence of

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

Profitability, Leverage, Firm Size and Capital Intensity towards Tax Avoidance. International Journal of Accounting and Taxation, 5(2), 33–41. https://doi.org/10.15640/ijat.v5n2a3.

21. Kim, J. H., & Im, C. C. (2017). The Study on the Effect and Determinants of Small-and Medium-sized Entities Conducting Tax Avoidance. Journal of Applied Business Research, 33(2), 375–390.
22. Koh, Y., & Lee, H.-A. (2015). The Effect of Financial Factors on Firms' Financial and Tax Reporting Decisions. Asian Review of Accounting, 23(2), 110–138. https://doi.org/10.1108/ARA-01-2014-0016.
23. Markarian, G. Pozza, L. Prencipe. A. (2008). Capitalization of R & D Costs and Earnings Management: Evidence from Italian Listed Companies, The International Journal of Accounting, 43, 246–267.
24. Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management? Journal of Corporate Finance, 16(5), 703–718. https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2010.08.005.
25. Noor, R. M., Fadzillah, N. S. M., & Mastuki, N. A. (2010). Corporate Tax Planning: A Study on Corporate Effective Tax Rates of Malaysian Listed Companies. International Journal of Trade, Economics and Finance, 1(2), 189–193. https://doi.org/10.7763/IJTEF.2010.V1.34.
26. Pratama, A. (2017). Company Characteristics, Corporate Governance and Aggressive Tax Avoidance Practice : A Study of Indonesian Companies. Review of Integrative Business and Economics Research, 6(4), 70–81.
27. Rania.S, Susetyob. D, Fuadah .L.L(2018) The Effects of the Corporate's Characteristics on Tax Avoidance Moderated by Earnings Management (Indonesian Evidence),Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies 4/3 (2018) 149-169.
28. Rego, S. O. (2003). Tax-Avoidance Activities of U.S. Multinational

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]

Corporations. Contemporary Accounting Research, 20(4), 805–833.

29. Richardson, G., & Lanis, R. (2007). Determinants of the Variability in Corporate Effective Public Policy, 26, 689–704. https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2007.10.003.
30. Salaudeen, Y. M. (2017). Corporate Effective Tax Rates in the Financial Services Sector: Journal Evidence from Nigeria. International Journal of Accounting and Taxation, 5(1), 68–88. https://doi.org/10.15640/ijat.v5n1a6.
31. Scott, W. R. (2009). Financial Accounting Theory (Fifth). Canada: Prentice Hall.
32. Weber, M. (2006). Sensitivity of Executive wealth to Stock Price, Corporate Governance and Earning Management, Review of accounting and finance, 5(4): 321-354.
33. Wild. J.J, Berenstein. L.A and Subramanyam. K.R (2001). Financial Statement Analysis, 7th Ed. New York Mc Graw-Hill Higher Education.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.29252/taxjournal.27.42.145]